

درباره خیابان بهجت ۲ که از تاریخ مشهد قصه‌های فراوانی در خاطر دارد

کوچه آدم‌ها و بناها

رضا سلیمان نوری| کوچه آیت‌ا... بهجت ۲ یا همان «شهیدان خوراکیان» از آن دست کوچه‌هایی است که موجودیت خود را مدیون سازه موجود در بخشی از آن است. البته با مرور اسناد موجود از جمله سفرنامه‌های مختلف و همچنین نقشه‌های مشهد در دوره قاجار با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که باغی بزرگ در یک سوی این کوچه قرار داشته است. باغی که در دوران پهلوی به باغ آرامگاه نادرشاه افشار تبدیل شده است. بر اساس همین اسناد کوچه مورد نظر دیرزمانی بخشی از راه ارتباطی محله نوغان به قبرستان بالاخیابان یا همان باغ هشت‌آباد بوده است. راهی که تا چند سال پیش و قبل از ایجاد شارستان ته‌ل محله هم فعال بود و مردم از میدان شهدا تا راسته نوغان را تنها با گذر از یک خیابان یعنی آزادی آن زمان و آیت‌ا... بهجت کنونی(از طریق کوچه شهید هاشمی‌نژاد ۳ و سپس بهجت ۲ و ۱ و سرانجام نوغان ۴)طی می‌کردند. درست به همین دلیل هم بود که این کوچه هیچ‌گاه نام مستقل رسمی نداشت و به فراخور حال در بین مردم با نام‌هایی چون کوچه کنار باغ آرامگاه، کوچه سالاری‌ها و کوچه دکترها خوانده می‌شد تا اینکه در سال‌های پس از انقلاب، شهادت دو برادر از ساکنان کوچه باعث شد تا نام رسمی کوچه برادران شهیدخوراکیان برای آن برگزیده شود.

- کوچه خوراکیان روی نقشه‌های قدیمی

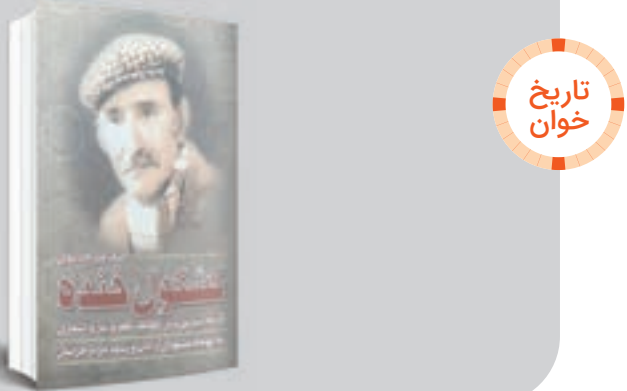
همان‌گونه که پیش از این اشاره شد یک طرف این کوچه(ضلع جنوبی) از قدیم‌الایام باغ بوده است. باغی که براساس اطلاعات موجود در دوران صفوی متعلق به بیگلربیگی شهر بوده و سپس نادرشاه مقبره‌ای در کنار آن ایجاد کرده است و درست به همین دلیل در معروف‌ترین نقشه موجود از دوران قاجار یعنی نقشه دالمج‌نام این‌باغ «محوطه‌باغی آرامگاه‌نادرشاه» عنوان شده است. البته خود مقبره را در کنار این محوطه و با کمی فاصله نشان گذاری کرده‌اند.

در نقشه‌های پس از ایجاد باغ یعنی نقشه‌های دوران پهلوی این محوطه که ضلع جنوبی کوچه را به طور کامل در تسخیر خود دارد با نام باغ نادری شناسایی شده است. البته این بخش از باغ نادری بیش از آنکه باغ آرامگاه نادرشاه باشد باغ آرامگاه افسر آزادی‌خواه معاصر، کلنل محمدتقی خان، است زیرا که برخلاف آرامگاه نادر که در وسط باغ زیر یک چادر سنگی قرار دارد، آرامگاه کلنل‌پسیان در میانه بخش شمالی باغ و در مجاور کوچه مورد نظر مادر زیر آسمان خدا واقع شده است. البته علاوه‌بر این آرامگاه، فروشگاه‌صنایع‌دستی، گلخانه و مجموعه بهداشتی باغ نادری هم درمجاورت کوچه شهیدان خوراکیان قرار دارند.

اما وضعیت ضلع شمالی کوچه متفاوت از ضلع دیگر است. در این ضلع هم‌زمان شاهد وجود بناهای مسکونی، تجاری، اقامتی، خدماتی، تاریخی و حتی در حال ساخت هستیم. اولین و دومین بنا در این بخش دو مجموعه اقامتی هستند که البته در نخستین بنا رستورانی هم مستقر است و اما سومین بنا در این محدوده هم‌ظاهر یک مجموعه اقامتی است‌که ساخت آن از چندی قبل متوقف شده است. دلیل این توقف هم آن‌گونه که اهالی محل بازگو کردند، رعایت نکردن حریم بصری مجموعه باغ نادری به عنوان یک اثر ملی است. درست پس از این بنا یگانه کوچه فرعی متصل به‌کوچه اصلی شهیدان خوراکیان چشم‌نوازی می‌کند. این کوچه در قدیم یعنی هنگام ترسیم نقشه‌سال ۱۳۲۵ مشهد به نام«مهابتی عباسعلی» شناسایی شده است. مهابتی در آن دوران به کوچه مسقفی گفته می‌شد که تمام اضلاعش به یک خانه بزرگ تعلق داشته و نور شب آن با استفاده از مهتاب تأمین می‌شده است. به عبارت بهتر این کوچه فرعی کوچه اختصاصی خانه فردی با

کوتاه در باره مهم‌ترین اثر بابای لهجه مشهدی

کشکول خنده



تاریخ خوان



کوچه شهید خوراکیان در دهه ۶۰ قرن ۱۴ خورشیدی
باغ نادری دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی
نمایی از خانه تاریخی سالاری / سال ۱۴۰۱

مسجد سلیمان، به یاری مردم شتافت. شهید حسن خوراکیان پس از شروع جنگ از سوی ارتش عراق، گروه پزشکی را روانه آبادان کرد و در آنجا همراه با پدر، برادر و دیگر دوستانش مسئولیت اداره بخشی از بیمارستان سیار را عهده‌دار شد. اوسرانجام ۷ بهمن ۱۳۵۹ در جبهه ذوالفقاریه آبادان، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. پس از این واقعه کوچه محل زندگی وی به‌نامش مزین شد، اما شهادت برادر بزرگ ترش مجتبی، در ۲۱ دی ۱۳۶۵ و در عملیات کربلای ۵ باعث تغییر نام کوچه و تبدیل این نام به برادران شهید خوراکیان شد.

- خانه انسان‌ساز

پلاک مهم بعدی این کوچه همان خانه‌ای است که نام کوچه از ساکنان شهیدش به امانت گرفته شده است. این خانه که یک پلاک پس از مجموعه گنجینه کتاب قرار دارد، خانه پدری شهیدان خوراکیان است. شهید حسن خوراکیان از دانشجویان فعال پیش از انقلاب بود که حتی برای خدمت بیشتر به مردم رسته مکانیک دانشگاه فردوسی را نیمه تمام گذاشت و با قبولی دوباره در کنکور برای خواندن پزشکی راهی دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) شد. وی در همان دوران به یکی از دانشجویان فعال و انقلابی دانشگاه خود تبدیل شد و تا آنجا پیش رفت که مدتی زندانی شد و در ادامه در روزهای پیروزی انقلاب طنابی را بر گردن مجسمه شاه در دانشگاه ملی انداخت و آن را به زیر کشاند. حسن خوراکیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کتابخانه پزشکی دانشگاه ملی را تأسیس کرد و در انقلاب فرهنگی که به تعطیلی دانشگاه‌ها منجر شد و همچنین تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام ^(۹) حضور داشت.

این شهید پس از تأسیس جهاد سازندگی به عنوان نیروی رسمی به این نهاد مشغول کار می‌شود و در



کوچه شهید خوراکیان در دهه ۶۰ قرن ۱۴ خورشیدی
باغ نادری دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی
نمایی از خانه تاریخی سالاری / سال ۱۴۰۱

به کوی سالاری معروف شد. البته کوی سالاری‌ها در اصل شامل ۵ بنا بود که در آن پدر و چهار پسر ساکن بودند، اما اکنون تنها همین یک بنا باقی مانده است. دکتر رضا سالاری تا سال ۱۳۳۰ در همین خانه سکونت داشته و طبقه همکف، مطبخش بوده است. پس از فوت دکتر رضا هم که در همین عمارت اتفاق افتاد، پسرشان، دکتر ناصر سالاری، یکی از جراحان بیمارستان امام رضا^(ع)، تا ۱۰ سال بعد، مطب را اداره کرد. در واقع این مطب، شبیه بیمارستانی کوچک بوده که حدود ۵۰ سال به مردم مشهد، خدمات درمانی رسانده است.

ناگفته نماند خود بنای خانه سالاری هم سوای ارزش هویتی آن، از چنان ارزشی برخوردار است که ثبت ملی شده است. تلفیق نمای آجری با کاشی‌های لعاب‌دار فیروزه‌ای به همراه قاب‌بندی‌ها و دورچینی‌های آجری، همچنین قابی منشش به کاشی‌کاری‌های مینیاتوری و هفت رنگ که به تاج زیبای فوقانی ختم می‌شود، شکوه خاصی به عمارت دو طبقه سالاری داده است. این بنا ساخته دست معماری به نام بنایی است که بعد از ساخت این بنا، خانه ساختناچی خیابان جنت را درست شبیه آن می‌سازد و به عبارت دیگر این دو بنای ثبت ملی خواهرخوانده هستند.

نکته جالب دیگر درباره معماری عمارت سالاری، برون گرا بودن آن برخلاف اغلب خانه‌های تاریخی مشهد است، در خانه سالاری، پنجره‌ها رو به خیابان است. خبری از حیاط مرکزی نیست و آنچه وجود دارد، بیشتر به حیاط خلوت و سراچه کوچک شباهت دارد.

سنن گذشته این سرزمین باید چنین مراجعی برای آگاهی نسل‌های آینده و محققان به یادگار بماند. اما کتاب دوم این مجموعه اشعاری معمولاً طولانی به لهجه مشهدی است که خود می‌تواند مانند یک دوره آموزشی برای افرادی که علاقه‌مند به یادگیری لهجه مشهدی هستند، عمل کند. دوره‌ای که باطنز دلنشینی آمیخته و موضوع‌های آن هویتی و بسیار متنوع است.

اوج جوانی میرخدیبوی با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران مصادف می‌شود و تنها خاطره خوش اواز این دوران می‌شود دیدن فیلم در سینما و بازنویسی آنچه دیده است که خود سرآغازی بود بر

سزن گذشته این سرزمین باید چنین مراجعی برای آگاهی نسل‌های آینده و محققان به یادگار بماند. اما کتاب دوم این مجموعه اشعاری معمولاً طولانی به لهجه مشهدی است که خود می‌تواند مانند یک دوره آموزشی برای افرادی که علاقه‌مند به یادگیری لهجه مشهدی هستند، عمل کند. دوره‌ای که باطنز دلنشینی آمیخته و موضوع‌های آن هویتی و بسیار متنوع است. اوج جوانی میرخدیبوی با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران مصادف می‌شود و تنها خاطره خوش اواز این دوران می‌شود دیدن فیلم در سینما و بازنویسی آنچه دیده است که خود سرآغازی بود بر

گروه تاریخ و هویت| در روزگاری که علم امروز و دستگاه‌های پیشرفته هوشناسی وجودنداشت، اهالی خراسان که زندگی و معیشت کشاورزی و شیبانی‌شان به آب و هوا وابسته بود، برای فهمیدن این مهم دست به دامن دانشی می‌شدند که نشئت گرفته از نشانه‌های رایج در طبیعت بود و مثل یک گنج سینه به سینه از نسلی به نسل بعدی می‌رسید. برای نمونه برف و زمستان سخت و طولانی، علائمی داشت که برخی از نشانه‌های آن چنین است:

● اگر دور ماه هاله بگیرد و هاله‌اش خیلی بزرگ باشد، برف می‌بارد.

● در فصل پاییز اگر بز یا گوسفند با دو دست بردرختان تکیه کنند و پوست آن‌ها را بخورند، آن سال سخت و پر برف خواهد بود.

● اگر بز یا گوسفند در آغاز چله بزرگ پشم خود را بچوند، نشانه آن است که زمستان طولانی و سخت خواهد بود.

● اگر گربه نزدیک آتش بخوابد یا دائم به محل گرمی مانند کرسی پناه ببرد، هوا سرد و زمستان سخت خواهد بود.

ایران نامه

دروایتی درباره یکی از بزرگ‌ترین رهبران مشروطه

آغازگر مشروطه



سیدنا صابری

بهمن ۱۲۲۰ خورشیدی، سید صادق طباطبایی که از بزرگان عصر ناصری محسوب می‌شد، صاحب فرزندی به نام سید محمد می‌شود. فرزندی که بعدها یکی از روحانیون و رهبران روشنفکر دوران مشروطه نام می‌گیرد تا در کنار سید عبدا... بهبهانی، برگ‌های مهمی از تاریخ ایران را رقم بزند. سید محمد طباطبایی در کربلا ولادت یافت و تا یک سالگی در آن شهر حضور داشت و پس از آن به نزد جد خود در همدان رفت تا دوران تحصیل خود را در این دیار بگذراند. سید محمد طباطبایی در ادامه با آنکه در آن اعصار، سفر به اروپا و گشت و گذار در مغرب زمین رواج نداشت، اما عزم سفر به عربستان و سیاحت در روسیه و آسیای صغیر کرد. البته زمان دقیق حضور ایشان در اروپا نامعلوم است، اما میرزا یحیی دولت‌آبادی در کتاب «حیات یحیی» به این نکته اشاره می‌کند که ورود سید محمد طباطبایی در جمع مخالفان حکومت، به سبب آنکه مرد فرنگ دیده و تا حدودی به اوضاع روزگار آگاه بوده موجب تقویت مخالفان شده است.

- نخستین قدم‌های مشروطه

همان‌طور که وی در یادداشت‌های خود بیان می‌دارد از سال ۱۳۱۳ قمری و در عصر ناصرالدین شاه قاجار که وارد تهران شد در فکر مشروطه کردن ایران و تأسیس مجلس شورای ملی بوده است که ناصرالدین شاه با این نظری مخالف کرده و چنین امری را در ایران آن‌دوره ناممکن می‌دانسته‌است. اگر این سخن را بپذیریم می‌توان این اندیشه را یکی از نخستین تلاش‌های مشروطه‌خواهی در ایران معرفی کرد. در این باره آمده است « روزی یکی از دوستان مرا ملاقات نمود و در مقام پند و اندرز گفت، به آشکار خدمت آقای طباطبایی مروید و طریقه احتیاط را از دست ندهید. سبب را پرسیدم، گفت جنابش را متمهم نموده‌اند به اینکه جمهوریت را طالبند و قانونیت مملکت را مایل، به این جهت پادشاه را با ایشان رغبتی نیست و درباریان را به ایشان میلی نی». به هر ترتیب این جدیت و سخت‌کوشی به منظور نیل به هدف والای مبارزه با استبداد سلطنت و خودکامگی در زمان مظفرالدین شاه نیز ادامه یافت در نامه‌ای به شاه، آشکارا و بدون هیچ پرده‌پوشی از ظلم و فساد موجود نگاشته که « اعلی حضرت! مملکت خراب، رعیت پریشان و گداست. تعدی حکام و مأمورین بر مال و عرض و جان رعیت دراز، ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد. از مال رعیت هر قدر میلشان اقتضا کند می‌برند... این عمارت و مبل‌ها و وجوهات و املاک در اندک زمان از کجا تحصیل شده؟ تمام مال رعیت بیچاره است... سی کرور نفوس را که اولاد پادشاه‌اند امیر استبداد یک نفر نفرمایید.» تلاش‌ها در راستای مشروطه‌سازی ادامه یافت تا اینکه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه صادر شد.

- تأسیس مدرسه نوین

در ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه برخی از مستبدین با ساخت مدرسه و دروس جدید مخالفت می‌کردند، بنابراین افراد کمی جرئت تنویر افکار عمومی را داشتند، اما آیت... طباطبایی از جمله اشخاصی بود که سال ۱۳۱۷ قمری آغاز به تأسیس مدارس جدید کرد و نام مدرسه خود را « دبستان اسلام» نهاد و این امر سبب شد تا ساخت مدارس و معارف نوین در ایران ترویج یابد.

- تشکیل انجمن مخفی

تشکیل انجمن مخفی برای آموزش و تربیت مدیران آینده ایران از دیگر فعالیت‌های او محسوب می‌شود و در این باره ناظم الاسلام کرمانی از امر آیت... طباطبایی به تشکیل این انجمن می‌نویسد « تشکیل انجمن مخفی که در آن نپوایگان وطن و رجال آتیه را به طرز جدید آموزشکاری کنیم و در آن خفتگان بادیه و مردان حالیه را بیداری دهیم... انجمن مخفی نیز تأسیس شد و نتایج آن آشکار گشت... از آن پس مدارس زیاد دایر و انجمن‌های بسیار تشکیل یافت.»

- ملاقات با تنوریسین اندیشه‌های نوین

یکی از پیشروان اصلاحات، نوسازی و مروجین اندیشه‌های نوین غربی در ایران را می‌توان میرزا ملک خان دانست که با قلم و عمل خود تأثیر فراوانی در شکل‌گیری اندیشه قانون‌گرایی در ایران داشته است. در کتاب تاریخ بیداری ایرانیان جریان دیدار سیدمحمد طباطبایی با میرزا ملک خان بیان شده است و از اینجا می‌توان دریافت که تشکیل انجمن مخفی و خواندن کتاب‌هایی با اندیشه نوین در مجلس آیت‌ا... طباطبایی چگونه به وجود آمده است. در آنجا می‌نویسد «مشارالیه با حضرت حجة الاسلامی خت‌بند نمود و در را به روی اغیار بستند. ربع ساعت وقت منجر به پنج شش ساعت گردید در این اثناء کرارا میرزا ملک خان عازم رفتن می‌شد و حضرت آقا او را مانع می‌گردید. مذاکرات آن دو را کسی ندانست لکن از آن روز حالات حجة الاسلام طهران بکلی تغییر نموده و در راه و مقصود میرزا ملک خان هم خود را داد و هم پسرش را... و دویعه میرزا ملک خان از مرحوم آقا سید صادق به ارث رسید به جناب آقا میرزا سید محمد و از ایشان به جناب آقا میرزا محمد صادق مدیر روزنامه مجلس» در جریان به توپ بسته شدن مجلس به دست محمدعلی شاه، جمعی از مشروطه‌خواهان به همراه آیت‌ا... طباطبایی در پارک امین‌الدوله حضور داشتند که با واکنش شدید نیروهای حکومتی روبه‌رو شدند و مورد توهین و آسیب جسمی قرار گرفتند، چنان‌که آیت‌ا... طباطبایی در این باره نوشت «در راه، سر بارها ما را برهنه کرده‌اند. دو سه توپ عبا و عمامه زود بدهید، بیاورند. مبدا دست به تفنگ بکنید که کار خیلی خراب است.» پس از این واقعه مدتی به منطقه شمیرانات متواری و پس از آن در شعبان ۱۳۲۶ قمری به حکم حکومتی از تهران به مشهد تبعید شد، اما پس از گذشت یک سال و در شعبان ۱۳۲۷ قمری و پس از اعدام شیخ فضل‌ا... نوری بار دیگر به تهران مراجعت کرد.

آخرین سال‌های عمر ایشان در انزوا سپری شد، زیرا پس از کشته شدن سید عبدا... بهبهانی و جریان‌ات واقعه به توپ بستن مجلس، حالت تأثر روحی شدیدی در ایشان پدیدار شد. ایشان سرانجام سال ۱۳۲۹ قمری در تهران در گذشت و در جوار قبر پدر خود و در حرم عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.

منبع تصاویر:

کتابخانه

ملی ایران

و تاریخی

موسسه

مطالعات

تاریخ معاصر

ایران